

تجربه جهانی احزاب فراگیر و ایدئولوژیک در ایران: مطالعه تطبیقی فرهنگ سیاسی احزاب اصلاح طلب و اصول گرا

عهديه شكوهي^۱

محمد رضا غلامی شكارسرایي^{۲*}

هادی نوری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲

چکیده

مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که فرهنگ سیاسی احزاب موسوم به اصلاح طلب و اصولگرا در ایران تا چه اندازه با فرهنگ سیاسی حاکم بر احزاب جهانی فراگیر و ایدئولوژیک مطابقت دارد؟ رهیافت نظری متشکل از نظریه آلموند و وربا در زمینه فرهنگ سیاسی و نظریه اتوکرشهایمر و دیوید اپتر در زمینه احزاب ایدئولوژیک و فراگیر است. طبق فرضیه مقاله، احزاب سیاسی طیف اصلاح طلب چه در قبل و چه در بعد از انتخابات به مثابه احزاب فراگیر اقدام می کنند. اما احزاب سیاسی اصولگرا بنا به دلایل مختلف توان فراتر رفتن از احزاب ایدئولوژیک و بدل شدن به یک حزب فراگیر را ندارند. این طیف از احزاب در هنگام انتخابات در قامت احزاب فراگیر ظاهر می شوند اما بعد از رسیدن به قدرت به عنوان احزاب ایدئولوژیک تجلی می یابند. روش تحقیق، تحلیل محتوای کمی است. نمونه های مورد بررسی شامل ویدئوهای مربوط به مناظرات انتخاباتی کاندیداهای ریاست جمهوری در دوره های هفتم، هشتم، نهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم و اسناد مربوط به مصوبات مجلس شورای اسلامی در دوره های ششم، هفتم و یازدهم است. یافته ها نشان می دهد که احزاب اصلاح طلب در بخش شعارهای انتخاباتی و در بخش تصویب مصوبات، معتقد و متعهد به فرهنگ سیاسی احزاب جهانی فراگیر بوده و به اصول دموکراسی نزدیک هستند. در نقطه مقابل، جناح اصولگرا، در بخش شعارهای انتخاباتی، تا حدود زیادی در چارچوب احزاب مولفه فراگیر قرار می گیرند اما در عرصه عمل و بخش تصویب مصوبات، همانند نسل دوم احزاب یعنی احزاب ایدئولوژیک، بر گرایش ایدئولوژیک خود پای می فشارند.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، احزاب فراگیر، احزاب ایدئولوژیک، اصلاح طلب، اصولگرا

۱. کارشناسی ارشد، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۲. استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

* نویسنده مسئول: mgholami2014@guilan.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

به‌طور کلی نخستین نشانه‌های تامل درباره فرهنگ سیاسی به فلاسفه یونان باستان تعلق دارد. یونانی‌ها ویژگی‌های ذهنی متفاوتی برای آتنی‌ها، اسپارتنی‌ها و بربرها قائل بودند. آنها بر این اعتقاد بودند که حالات ذهن، واقعیت‌هایی هستند که پندار و کردار سیاسی افراد را به اشکال مختلف شکل می‌دهند و به‌همین دلیل، درک درست پدیده‌های سیاسی مستلزم توجه به اینگونه حالات است. در قرن بیستم، بحث فرهنگ و ایدئولوژی سیاسی به ویژه در رابطه با زمینه‌های فرهنگی دیکتاتوری و دموکراسی مطرح گردید. در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی، فرهنگ سیاسی بیشتر در ارتباط با باورداشت‌ها و نظام ارزشی و هنجاری حاکم بر توده مردم در خصوص امور سیاسی تعریف می‌شود؛ حال آنکه ایدئولوژی سیاسی ناظر بر باورداشت‌های سیاسی و اصول هنجاری و ارزشی حاکم بر نخبگان سیاسی و نیز احزاب سیاسی بوده است. امروزه این مرزبندی مفهومی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و از اصطلاح فرهنگ سیاسی به منظور اشاره به هر دو نظام هنجاری - توده مردم و نخبگان سیاسی - استفاده می‌شود. در این بین فرهنگ سیاسی احزاب نیز ادبیات مفهومی خاصی را در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی به خود اختصاص داده است. نگاهی به سیر تاریخی تطور احزاب سیاسی در اروپای غربی نشان می‌دهد که این سازمان‌های سیاسی اشکال مختلفی را تجربه کرده‌اند؛ اشکالی که هر کدام ناظر بر یک مرحله تاریخی بوده و نسبت به جامعه مدنی و جامعه سیاسی نیز از انگاره‌های خاصی برخوردار بوده است. احزابی نظیر خواص، عوام، فراگیر و کارتلی هر کدام از مولفه‌های خاصی برخوردار هستند. این مولفه‌ها علاوه بر اینکه گویای ماهیت این احزاب هستند در عین حال نشان می‌دهند که تا چه حد بستر اجتماعی مناسب برای تحقق دموکراسی و توسعه سیاسی در آن دوره تاریخی خاص در جوامع مورد نظر وجود داشته‌اند. برای تدقیق در این نظر و فهم منطق آن، می‌توان با بررسی فرهنگ سیاسی احزاب سیاسی به مختصات فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه، نقش تسهیل‌گری یا بازدارندگی آنها در نیل به دموکراسی پی برد. رفتار انتخاباتی احزاب سیاسی، شعارهای آنان، و همچنین بررسی عملکرد آنها پس از نیل به قدرت سیاسی در مشخص ساختن فرهنگ سیاسی آنها اثری تعیین‌کننده دارد. ایدئولوژیک بودن و گرایش به منطق بازار دو

مولفه اصلی فرهنگ سیاسی احزاب محسوب میشوند که بر مبنای آنها میتوان به تمایز احزاب سیاسی پرداخت و نقش تسهیلگر یا بازدارنده آنها را نسبت به دموکراسی و توسعه سیاسی مشخص ساخت. در نوع ایدئولوژیک، احزاب بر اساس عقاید مطلق-انگارانه خود و جدا از نظر اکثریت جامعه عمل می‌کنند. این دسته از احزاب توانایی بازاندیشی در اهداف اولیه خود و سازگاری با تغییرات محیط پیرامونی و به تعبیری بازار رأی ندارند، اما در نوع فراگیر، احزاب به منظور جلب نظر آرای حداکثری و کسب مشروعیت نظام سیاسی، سعی بر توجه به خواسته‌های طیف گسترده‌ای از مردم داشته و از این نظر، به دموکراسی نزدیکتر هستند.

در جامعه ایرانی نیز می‌توان با بررسی فرهنگ سیاسی جریان‌های سیاسی اصلاح-طلب و اصولگرا به طرح این مساله پرداخت که این جریان‌های سیاسی، بر پایه چه فرهنگ سیاسی عمل می‌نمایند؟ آنها تا چه اندازه با فرهنگ سیاسی احزاب جهانی فراگیر و ایدئولوژیک مطابقت دارند؟

۱. پیشینه پژوهش

پژوهشگران مختلف خارجی و داخلی، موضوع فرهنگ سیاسی را از زوایای گوناگون بررسی کرده‌اند. در جدول شماره ۱ به آنها اشاره شده است.

جدول شماره ۱. مرور پیشینه پژوهش

محققین	عنوان مقاله	مهم‌ترین دستاوردها
حیدری و همکاران	تحلیل الگوی کنش فعالان حزبی در ایران (مورد مطالعه احزاب دهه ۶۰ تا ۹۰)	تحزب در دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ در نسبت با الگوی کنش فعالان حزبی دچار چالش‌های اساسی بوده است. کنش سنتی فعالان حزبی به شکل گرایش‌های قوم مدارانه، بزرگ‌گرایی، فامیل محوری و کنش احساسی به شکل قرائت‌های خاص ایدئولوژیک از مذهب یا مکاتب اجتماعی، ترور و خودمحوری مانع از تحکیم و فعالیت مناسب احزاب شده‌اند.



روانستان	تأثیر جنبش دموکراسی خواهی در جهان بر رابطه دولت و جامعه در ایران (۱۳۷۶- ۱۳۸۴)	انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ که از آن به موج چهارم دموکراسی خواهی در ایران تعبیر می‌شود، آغازگر دوره جدیدی از سیر تحول نظام سیاسی در ایران بوده است که به رشد فرهنگ سیاسی-مشارکتی و تقویت دموکراسی در ساختار نظام سیاسی کمک نمود.
میرزایی و محسنی تبریزی	مدلی برای سنجش رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی	فرهنگ سیاسی افراد را می‌توان به فرهنگ سیاسی سخت‌گیرانه، معتدل و تساهل‌گرا تقسیم‌بندی کرد و نوع قرائن از دین و فرهنگ سیاسی که خود انواع دینداری و فرهنگ سیاسی را منجر می‌شود، بر نوع همبستگی این دو تأثیر دارد.
مظلوم و همکاران	بررسی رابطه توسعه اجتماعی و فرهنگ سیاسی در جامعه ایران	با افزایش میزان شاخص‌های توسعه اجتماعی بر میزان فرهنگ سیاسی مشارکتی افزوده می‌شود. فرهنگ سیاسی اکثریت نمونه آماری با ۶۳.۳ درصد از نوع تبعی است.
میرزایی	تبیین جامعه‌شناختی رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی در ایران	نوع و میزان دینداری به ترتیب بیشترین وزن را در تبیین فرهنگ سیاسی دارند.
دال سیونگ یو	فرهنگ سیاسی و دشواری‌های تحکیم دموکراسی در کره جنوبی و ایران	مشخصه‌های فرهنگی دو کشور نگرشی را در فرهنگ سیاسی آنان می‌پرورد که فرایند دموکراتیک‌سازی را به- سوی نظامی ترکیبی از نوع نواقدرگرایی، یا شبه- دموکراسی سوق می‌دهد.
حلیمی مختار	مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی: مطالعه موردی رفتار رای دهی در جویمبانگ	تغییر الگوی مشارکت سیاسی تماماً متأثر از قوانین و مقررات وضع شده از سوی مردم، نمایندگان و رهبران سیاسی منطقه نبوده بلکه تا حدودی از شرایط اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و جغرافیایی نیز تأثیر پذیرفته است.

سیاست فرهنگی فدرال استرالیا توسط حزب سیاسی در دولت شکل گرفته و این امر نشان دهنده ایدئولوژی متمایز آن حزب است. سیاست‌های فرهنگی دو حزب اصلی کمتر متمایز شده، چرا که هر دو حزب به چالش‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی مشابهی پاسخ می‌دهند.	فرهنگ و ایدئولوژی احزاب سیاسی در استرالیا	جوہانسون و گلاو
انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۸۹ این تزار را تأیید کرد که رای‌دهندگان برزیلی از برگه‌های رای خود به‌عنوان سلاح استفاده می‌کنند تا نارضایتی خود را از عملکرد دولت‌های خود و به‌ویژه از توانایی دولت‌های فعلی برای مقابله با مشکلات جدی اقتصادی ابراز کنند	انتخابات، احزاب سیاسی و فرهنگ سیاسی در برزیل: تغییرات و تداوم	آلوارو مویزس

در پژوهش‌های ذکر شده، موضوع حاضر از منظر الگوی کنش فعالان حزبی، آسیب‌شناسی احزاب سیاسی، رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی، فرهنگ مدنی و دموکراسی، رسانه‌های اجتماعی و فرهنگ سیاسی احزاب، شخصیت و فرهنگ سیاسی، فرهنگ و ایدئولوژی احزاب سیاسی، فرهنگ و ایدئولوژی احزاب سیاسی و انتخابات، احزاب سیاسی و فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ایران، علیرغم وجود مطالعات تاریخی در خصوص احزاب سیاسی، می‌توان ادعا نمود که پژوهش‌های جامعه‌شناختی کمتری به بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی احزاب در ایران با تجربه جهانی احزاب پرداخته‌اند. پژوهش‌های صورت گرفته عمدتاً معطوف به بررسی رفتارهای سیاسی و نسبت آنها با احزاب سیاسی هستند. اما در این مقاله تلاش شده تا با مشخص ساختن ایدئولوژی حاکم بر احزاب سیاسی در ایران، نسبت این احزاب با احزاب فراگیر و ایدئولوژیک در جهان و همبسته بودنشان با دموکراسی مشخص شود.

۲. رهیافت نظری

با در نظر داشتن این موضوع که مقاله حاضر در پی تطبیق تجربه احزاب سیاسی ایران با احزاب جهانی ایدئولوژیک و فراگیر است تا از این طریق پی به نوع ایدئولوژی حاکم بر احزاب سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب- در دو مرحله قبل از دستیابی به قدرت و بعد از

نایل آمدن به قدرت- ببرد، مبانی نظری بررسی حاضر به سه بخش تقسیم گردید. در بخش اول دیدگاه‌های مربوط به احزاب سیاسی و سیر تاریخی آنها طرح می‌گردد. در بخش دوم به ادبیات نظری فرهنگ سیاسی پرداخته می‌شود. در پایان، سعی می‌گردد با تکیه بر دیدگاه دیوید اپتر انعطاف‌ناپذیری احزاب سیاسی در هنگام نیل به قدرت، با تکیه بر احزاب ایدئولوژیک مفهوم‌پردازی شود و مرزبندی مفهومی آن با احزاب فراگیر اتوکرشایمر مشخص گردد.

نظریات مربوط به فرهنگ سیاسی را می‌توان در دو قالب کلی نظم‌گرا و تضادگرا و چندین رهیافت نظری و نظریه خردتر تقسیم‌بندی نمود. بر این اساس، دو رهیافت ساختی- کارکردی و نظریات مرتبط با آن مانند نظریات فرهنگ مدنی گابریل آلموند و سیدنی وربا، نظریه فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی لوسین پای و سیدنی وربا، نظریه منطقه‌گرایی فرهنگ سیاسی دانیل الازار، رهیافت ساختی- تفسیری و نظریه ساختاری- شناختی مایکل گراس، نظریه فرهنگ سیاسی و نمادگرایی سیاسی لاول دیتمر ذیل دیدگاه نظم‌گرا و نظریه هژمونی و فرهنگ سیاسی آنتونیو گرامشی، نظریه حوزه عمومی و فرهنگ سیاسی یورگن هابرماس، نظریه انقلاب و فرهنگ سیاسی جان فوران ذیل دیدگاه تضادگرا قرار می‌گیرند (Verba & Almond, 1963, Gramsci, 1972, Habermas, 1989).

از بین نظریات فوق، در این مقاله به دو دلیل از نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا استفاده می‌شود. اول، این نظریه بیش از دیگران به قرابت یا دوری احزاب سیاسی با دموکراسی‌خواهی توجه می‌کند. دوم، از مبانی تجربی و وسیع‌تری نسبت به نظریات فوق برخوردار است. اصطلاح فرهنگ سیاسی را نخستین بار گابریل آلموند در علم سیاست به کار برد (Almond & Powell, 1978: 50). آلموند و وربا در اثر معروف خود فرهنگ مدنی (۱۹۶۳) می‌گویند: «زمانی که ما از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم به نظام‌های سیاسی، آن‌چنان‌که در شناخت احساسات و ارزشیابی افراد آن نظام درونی شده‌اند، برمی‌گردیم» (Almond & Verba, 1963: 13). پس شناخت، احساسات و ارزشیابی افراد در ارتباط با ساختار سیاسی هسته اصلی مفهوم فرهنگ سیاسی را تشکیل می‌دهند. آلموند و وربا بر پایه این سه نوع جهت‌گیری شناختی، احساسی و ارزیابانه سه

نوع فرهنگ سیاسی مطرح می‌کنند: ۱- فرهنگ سیاسی محدود ۲- فرهنگ سیاسی تابع ۳- فرهنگ سیاسی مشارکتی (Almond & Verba, 1963: 20) آلموند و وربا در ادامه از سه نوع جهت‌گیری دیگر که تکمیل‌کننده تقسیم‌بندی خودشان است نام می‌برند: الف) فرهنگ سیاسی ناقص- تبعی؛ ب) فرهنگ سیاسی تبعی- مشارکتی؛ ج) فرهنگ سیاسی ناقص- مشارکتی (Almond & Verba, 1963: 117). آلموند، فرهنگ سیاسی را به سه سطح تقسیم کرده و تأکید می‌کند که در هر جامعه نوع خاصی از فرهنگ سیاسی مشاهده نشده، بلکه ترکیبی از این انواع دیده می‌شود: فرهنگ سیاسی محدود به‌عنوان پایین‌ترین سطح، فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیادی به‌عنوان سطح میانی و فرهنگ سیاسی مشارکتی به‌عنوان بالاترین سطح تعریف شده‌اند. هر چه در یک جامعه، فرهنگ سیاسی از سطح پایین یا محدود به سطح بالا یا مشارکتی نزدیک‌تر شود، می‌توان گفت نظام سیاسی آن جامعه در بعد فرهنگی توسعه‌یافته‌تر است (Almond, 1990: 138)

در مجموع، بخشی از ادبیات توسعه سیاسی بین احزاب و دموکراسی‌خواهی رابطه معنی‌داری قائل‌اند. در سوی دیگر، علی‌الخصوص چپ‌ها، با تمرکز بر عوامل روانشناختی (میخلز) و جامعه‌شناختی (استروگورسکی) به بررسی موانع موجود در بطن احزاب سیاسی جهت دستیابی به دموکراسی پرداخته‌اند. در ذیل این دیدگاه شکاکانه، به زایل ساختن دیدگاه‌های ایدئولوژیک از احزاب سیاسی کمک شایانی کرده‌اند. از جمله این نظریه‌پردازان اوتو کرشهایمر است. او در دهه ۱۹۶۰ به طرح این ادعا پرداخت که در اروپای غربی عمر احزاب ایدئولوژیک به سر آمده و احزاب فراگیر جایگزین آنها شده‌اند (Kirchheimer, 1958: 15)

کرشهایمر با تأکید بر کاهش فاصله طبقاتی در عصر وفور و از بین رفتن زمینه‌های برخورد ایدئولوژیک به تشریح این نکته می‌پردازد که احزاب سیاسی در این دوره مجبورند از گرایش‌های ایدئولوژیک یا تأکید بر یک طبقه خاص دست برداشته و به گونه‌ای عمل کنند که مقبول همگان باشد. در واقع همه احزاب کادر از صحنه خارج شده و احزاب توده‌ای نیز در حال تبدیل شدن به احزاب فراگیر هستند. به نظر وی، اصلی‌ترین مولفه این احزاب آن است که به‌جای پایبندی به مرامنامه‌ها و آرمان‌های حزبی صرفاً نگاه‌شان معطوف به کسب قدرت است؛ حتی اگر این امر باعث عدول از آرمان‌های از



پیش تدوین شده احزاب سیاسی باشد (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۵۷). در نظریه کرشهایمر، بحث شیوه عمل احزاب در هنگام کسب قدرت چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

در این مقاله با رجوع به نظریه دیوید اپتر سعی گردید تا میزان فراگیر بودن احزاب سیاسی بعد از کسب قدرت نیز مورد بررسی قرار گیرد. اپتر به عنوان یکی از نظریه پردازان موج دوم توسعه سیاسی و بر خلاف متفکرانی نظیر رابرت دال و دانیل لرنر معتقد است که نوسازی در کشورهای مختلف از طریق تعامل با سنت‌های موجود در آن جوامع صورت می‌گیرد و لذا اشکال متفاوتی پیدا می‌کند. آنچه اپتر تحت عنوان سنت از آن نام می‌برد، در چارچوب دو متغیر اقتدار و ارزش قرار می‌گیرد. وی اقتدار را به دو نوع هرمی و سلسله‌مراتبی تقسیم می‌کند و در ادامه جوامع با اقتدار هرمی را با قدرت پراکنده و متکثر متمایز نموده و سیستم قدرت متمرکز را از ویژگی‌های اقتدار سلسله‌مراتبی برمی‌شمارد. در بحث پیرامون مقوله ارزش نیز اپتر قائل به دو نوع ارزش کل-گرایانه و ابزاری است. به عقیده اپتر، در جوامعی که ارزش‌های کل‌گرایانه برقرار باشد، قدرت غایت‌گرایانه بوده و انطباق با محیط و انعطاف‌پذیری مختص جوامع با ارزش‌های ابزاری است. در چارچوب این طبقه‌بندی نظام‌های سنتی به دو روش با نوگرایی مواجه می‌شوند (Apter, 1954, 1960) در نوع اول، یا نظام بسیج، ارزش کل‌گرایانه و اقتدار سلسله‌مراتبی وجود دارد. قدرت در دست یک نفر متمرکز بوده و یک ایدئولوژی متصلب وجود دارد. همچنین بر وحدت و مشارکت مردم بسیار تاکید می‌شود. مردم بطور عمده از طریق حزبی که متولی ایدئولوژی رسمی است گرد رهبر کارزماتیک حلقه می‌زنند.

نظام سیاسی با محیط پیرامون خود از طریق زور ارتباط برقرار می‌کند. در این نظام‌ها اساساً بر ارزش‌های کمال‌گرایانه‌ای مانند عدالت، برابری و ایثار تاکید می‌شود. همچنین آزادی محدودی نیز در این جوامع حکم‌فرماست. در نوع دوم یا نظام آشتی که بر پایه اقتدار هرمی و ارزش‌های ابزاری سازمان‌یافته است، قدرت پراکنده و نامتمرکز بوده و در بین گروه‌ها و احزاب مختلف توزیع می‌شود. جامعه مدنی مترقی و منسجم است. ایدئولوژی وحدت‌بخش وجود نداشته، تکرر آرا به رسمیت شناخته می‌شود و بین گروه‌های مختلف رقابت همراه با تساهل برقرار است. بر اساس ارزش‌های ابزاری موجود،

نظام به تقاضای محیط حساس است. لذا اهداف در چنین حالتی کوتاه مدت بوده و براساس این تقاضاها و در پاسخ به این اولویت، تعیین می‌شوند (بدیع، ۱۳۹۳: ۱۳). از نظر اپتر، در نظام‌های بسیج امکان سازگاری با نیازهای پیرامونی برای مرکز و به-تعبیری سیستم وجود ندارد. لذا امکان بازاندیشی در سنت وجود ندارد. احزاب فراگیر مورد نظر اتوکرشهایمر در بطن چنین جوامعی شکل نمی‌گیرند. احزاب سیاسی تا حدودی فراگیر عمل می‌کنند اما فشار ساختاری ناشی از سنت، بدانها این اجازه را نمی‌دهد که به نظام‌های آشتی بدل شوند. این احزاب در هنگام انتخابات برای کسب رای بیشتر و جذب مخاطبان وسیع‌تر سعی می‌کنند تا نیازهای اجتماعی اقشار مختلف را رصد نموده و بر مبنای آنها شعار طراحی نمایند، اما در هنگام عمل و زمانی که به قدرت می‌رسند نمی‌توانند رویه قبل را دنبال نموده و لذا به صورت ایدئولوژیک (در تقابل با فراگیر) عمل نمایند. اما این شیوه عملکردی مطلق نیست. از بطن این جوامع احزابی نیز سر بر می‌آورند که تا حدود زیادی به بازتعریف سنت پرداخته و سعی می‌کنند به عنوان مصداقی از نظام آشتی عمل نمایند. یعنی، چنین احزابی به شکاف‌های اجتماعی و تقاضاهای برآمده از آن در جامعه توجه نموده و سعی می‌کنند که در قبل و بعد از انتخابات به صورت فراگیر عمل نمایند.

فرضیه مقاله حاضر آن است که احزاب سیاسی طیف اصلاح طلب در تقابل با احزاب سیاسی موسوم به اصولگرا، چه در قبل و چه در بعد از انتخابات به مثابه احزاب فراگیر اقدام می‌کنند. اما احزاب سیاسی اصولگرا بنا به دلایل مختلف توان فراتر رفتن از احزاب ایدئولوژیک و بدل شدن به یک حزب فراگیر را ندارند. این دسته از احزاب نیمه فراگیر و نیمه ایدئولوژیک هستند. این طیف از احزاب در هنگام انتخابات در قامت احزاب فراگیر اتوکرشهایمر ظاهر می‌شوند اما بعد از رسیدن به قدرت به عنوان احزاب ایدئولوژیک و مصداقی از نظام‌های بسیجی تجلی می‌یابند.

۳. روش پژوهش

یافته‌های مقاله حاضر با روش تحلیل محتوای کمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این روش فرصتی فراهم می‌سازد که محقق به طور سیستماتیک مدارک را مطالعه

نماید و با شمارش آیت‌های خاصی در قالب مقوله‌های تعریف‌شده، یافته‌های خود را نظام‌مند سازد. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر در وهله اول به صورت هدفمند و در مرحله بعد از طریق تمام‌شماری مصوبات مجلس انجام شد. واحد ثبت در این تحقیق در مرحله اول گزاره‌های کلامی و در مرحله دوم جملات است. واحد زمینه در مرحله اول همه شعارهای انتخاباتی و در مرحله دوم مصوبات مجلس است. در مرحله اول، ویدئوهای مربوط به مناظرات انتخاباتی کاندیدای شرکت‌کننده در انتخابات ریاست جمهوری از دو جناح سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا انتخاب گردید. لازم به ذکر است گستردگی کار و محدودیت منابع مانع از انتخاب نمونه‌ها در بین نمایندگان مجلس شد. در مرحله دوم، برای اینکه عملکرد احزاب وابسته به جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب در زمان دستیابی به قدرت مشخص شود، نمونه‌هایی از اسناد موجود مربوط به مصوبات مجلس ششم، هفتم و یازدهم انتخاب شد و شعارهای انتخاباتی پنج کاندید ریاست جمهوری از احزاب وابسته به جناح‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا مد نظر قرار گرفت که به شرح ذیل است:

جدول شماره ۲. نمونه‌های مورد بررسی در بخش اول

جناح راست	جناح چپ
محمدباقر قالیباف	سید محمد خاتمی
سید ابراهیم رئیسی	میرحسین موسوی
غلامعلی حداد عادل	محمدرضا عارف
سعید جلیلی	حسن روحانی
علیرضا زاکانی	اسحاق جهانگیری

بررسی شعارهای انتخاباتی ۱۰ کاندید در ۵ دوره انتخابات مورد بررسی قرار گرفت که در جدول شماره ۳ نمایان است.

جدول شماره ۳. مشخصات تاریخ مناظرات و کاندیدهای مورد نظر در هر دوره

سال	دوره	اسامی کاندیدا
۱۳۷۶	انتخابات دوره هفتم	سید محمد خاتمی

انتخابات دوره هشتم	سید محمد خاتمی	۱۳۸۰
انتخابات دوره دهم	میرحسین موسوی	۱۳۸۸
انتخابات دوره یازدهم	حسن روحانی، سعید جلیلی، محمدباقر قالیباف، حداد عادل، محمدرضا عارف	۱۳۹۲
انتخابات دوره دوازدهم	اسحاق جهانگیری، محمدباقر قالیباف، حسن روحانی، سید ابراهیم رئیسی	۱۳۹۶
انتخابات دوره سیزدهم	سعید جلیلی، سید ابراهیم رئیسی، علیرضا زاکانی	۱۴۰۰

۳-۱. اعتبار و پایایی

اعتبار خود انواع گوناگون دارد و دست‌یافتنی‌ترین نوع آن اعتبار صوری است که در آن گروهی از صاحب‌نظران در مورد اعتبار وسیله سنجش داوری می‌کنند. ولکات به منظور تضمین اعتبار فرایند تحقیق، مواردی را ضروری می‌داند: یادداشت‌ها و مقوله‌ها باید دقیق باشد و به گونه‌ای که این امکان را به خوانندگان بدهد تا به تنهایی آن را بخوانند. منظور این است که داده‌های کافی در اختیار خوانندگان قرار گیرد تا بتوانند خود به تنهایی استنباط‌های خودشان را از گزارش داشته باشند و در عین حال قادر به فهم و دنبال کردن استنباط‌های محقق باشند. گزارش باید تا حد ممکن کامل و روشن و سراسر است باشد، نوشته‌های محقق باید تعادلی میان جنبه‌های مختلف و دقت در نگارش برقرار کنند (فلیک، ۱۳۹۴: ۴۱۴-۴۱۷)، با توجه به توضیحات ارائه شده در مقاله حاضر اعتبار بر پایه رویه تحقیق بنا بر نظریه ولکات در نظر گرفته شد. ابتدا مصوبات مجلس و شعارهای انتخاباتی که حاوی مقولات سیاسی بودند مشخص شد و در ادامه کار، با توجه به چارچوب نظری به انتخاب مقولات به صورت هدفمند پرداخته شد. سپس با نظر متخصصان مناسب‌ترین مقولات انتخاب شد. بحث درباره پایایی در تحلیل محتوا از دو جنبه حائز اهمیت است. اول آنکه تکوین داده‌ها باید به نحوی تحلیل شود که بتوان مشخص کرد که کدام گزاره متعلق به فرد مورد مطالعه است و کدام یک تفسیر محقق است. دوم آنکه روش کار هنگام تفسیر باید از طریق آموزش یا

کنترل مجدد تحلیل شود تا امکان مقایسه یافته های مختلف فراهم شود و هرچه فرایند تحقیق به منزله یک کل با جزئیات بیشتری ثبت شود، پایایی کل فرایند بهتر خواهد بود. (فلیک، ۱۳۹۴ : ۴۱۳). از آنجا که پایایی در این نوع پژوهش ها بر پایه مستندسازی دقیق صورت می پذیرد، در پژوهش حاضر تمامی مستندات ثبت و ضبط گردید و در گزارش کار ارائه شد که از این طریق پایایی پژوهش حاضر و ابزار مورد استفاده افزایش یافت. مستندسازی به معنای این است که تمام جزئیات پژوهش را مستند کنیم و هرچقدر جزئیات بیشتر بیان شود مستندسازی بهتر و کارآمدتری خواهیم داشت. از این رو با مستندسازی دقیق پایایی افزایش یافت و کدگذاری متن شعارهای انتخاباتی و مصوبات مجلس انجام و فراوانی هر مولفه به دست آمد.

۲-۳. شاخص های پژوهش

الف) فرهنگ سیاسی احزاب ایدئولوژیک: احزاب ایدئولوژیک دارای ساختار سلسله-مراتبی متصلبی هستند و هدف اصلی آنها تحقق آرمانها مندرج در مرامنامه حزبی است؛ لذا این احزاب به جای توجه به سازگاری با محیط پیرامون و مطالبات جدید و دغدغه جذب حداکثری آرا دیگران، درصدد محقق ساختن آرمانهای طبقاتی اند که به این گونه احزاب شکل داده اند (Duverger, 1952; Apter, 1960) جدول شماره ۴ نمایانگر مولفه های عملیاتی فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک است.

جدول شماره ۴. مولفه های فرهنگ سیاسی احزاب ایدئولوژیک

عدم انعطاف در برابر نیازهای نوین کنشگران
احساس تعلق به سنت و عدم رغبت به امور نوین
تعهد به گسترش و ارتقا ملت اسلامی به جای تعهد به ملی گرایی
تاکید بر سانسور و ممیزی و به حاشیه بردن افکار متفاوت
توجه به عقاید و ارزش ها به عنوان ملاک طبقه بندی اجتماعی
جلوگیری از فعالیت طیف های گوناگون و متفاوت با تفکر قالب
امنیتی کردن امور فرهنگی و اجتماعی
محرومیت های اجتماعی و اقتصادی و به حاشیه بردن افکار مخالف
حقیقت شمردن باورهای خود و تلاش در جهت سرکوب عقاید دیگری

دین، ملاک و معیار عمل
برتری کنش‌های عاطفی به جای منطق و عقلانیت
وابستگی به مذهب، پیرسالار و اراده دینی

ب) فرهنگ سیاسی احزاب فراگیر: احزاب فراگیر در سال ۱۹۶۶ توسط اتوکرشهایمر به- عنوان جایگزین احزاب عوام مطرح گردید (Kirchheimer, 1958:13) احزاب فراگیر دنبال کسب قدرت به‌عنوان ابزار تحقق آرمان‌های حزبی نیستند. از گرایش‌های ایدئولوژیک یا تاکید بر یک طبقه خاص دست می‌کشند و به‌گونه‌ای عملگرایی که مقبول همگان و فراگیر باشد سوق می‌یابند. لذا به‌جای دلبستگی به مرام ثابت، نگاه نگران خود را به صندوق‌های رای دوخته‌اند و برنامه‌های خود را به گونه‌ای تنظیم می‌نمایند که در انتخابات بیشترین آراء را به خود اختصاص دهند (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۱۵۱). جدول شماره ۵ نمایانگر مولفه‌های عملیاتی فرهنگ سیاسی فراگیر است.

جدول شماره ۵. مولفه‌های فرهنگ سیاسی احزاب فراگیر

پاسخ به مطالبات نوین کنشگران
تاکید بر قانون و قانونگرایی به‌عنوان ملاک عمل
توجه به تخصص‌گرایی در تعیین جایگاه اجتماعی افراد
ملی‌گرایی و تعهد به ارتقا جامعه مدنی
افزایش تولید، ثروت و ارتقاء امنیت اقتصادی
توجه به کثرت آرا و اندیشه و پذیرش آن
آزادی بیان و اندیشه در جامعه
امکان بهره‌مندی از امکانات کشور توسط تمامی طیف‌های موجود
توجه به عنصر منطق و عقلانیت
وابستگی به جامعه و علایق و نیازهای آن
علم محور بودن
توجه به روابط و مناسبات بین‌المللی
عدم دخالت امنیتی در امر فرهنگی و اجتماعی و برخورد قانونی با این امور
توجه به حقوق زنان
تاکید بر برابری جنسیتی



۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. شعرهای انتخاباتی

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که جناح چپ در مناظره‌ها و شعرهای انتخاباتی خود در مجموع ۱۶۱ مرتبه به مولفه‌های فراگیر و ۱۱ مرتبه به مولفه ایدئولوژیک اشاره مستقیم و غیرمستقیم داشته است.

جدول شماره ۶. مولفه‌های فراگیر و ایدئولوژیک در مناظره‌ها و شعرهای انتخاباتی جناح چپ

نوع مولفه	فراوانی	درصد
فراگیر	۱۶۱	۹۳.۶
ایدئولوژیک	۱۱	۶.۴
کل	۱۷۲	٪۱۰۰

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که جناح راست در مناظره‌ها و شعرهای انتخاباتی خود در مجموع ۷۵ مرتبه به مولفه‌های فراگیر و ۴۵ مرتبه به مولفه‌های ایدئولوژیک اشاره مستقیم و غیرمستقیم داشته است.

جدول شماره ۷. مولفه‌های فراگیر و ایدئولوژیک در مناظره‌ها و شعرهای انتخاباتی جناح راست

نوع مولفه	فراوانی	درصد
فراگیر	۷۵	۶۲.۸
ایدئولوژیک	۴۵	۳۷.۲
کل	۱۲۰	٪۱۰۰

جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که جناح راست در مناظره‌ها و شعرهای انتخاباتی خود در مجموع ۷۵ مرتبه، و جناح چپ در مجموع به ۱۶۱ مرتبه به مولفه‌های فراگیر اشاره مستقیم و غیرمستقیم داشته است.

جدول شماره ۸. مولفه‌های فراگیر در مناظره‌ها و شعرهای انتخاباتی جناح راست و جناح چپ

جناح	فراوانی	درصد
جناح راست	۷۵	۳۲.۱
جناح چپ	۱۶۱	۶۷.۹
کل	۲۳۶	٪۱۰۰

جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که جناح راست در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی خود در مجموع ۴۵ مرتبه، و جناح چپ در مجموع ۱۱ مرتبه به مولفه‌های ایدئولوژیک اشاره مستقیم و غیرمستقیم داشته است.

جدول شماره ۹. مولفه‌های ایدئولوژیک در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی جناح راست و چپ

جناح	فراوانی	درصد
جناح راست	۴۵	۸۰.۴
جناح چپ	۱۱	۱۹.۶
کل	۵۶	٪۱۰۰

جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که جناح چپ در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی خود در مجموع ۱۶۱ مرتبه به مولفه‌های فراگیر اشاره مستقیم و غیرمستقیم داشته است. این میزان از مولفه فراگیر در میان اعضای جناح چپ عبارتند از: سید محمد خاتمی ۳۸، میرحسین موسوی ۳۸، محمدرضا عارف ۲۷، حسن روحانی ۳۱ و اسحاق جهانگیری ۲۷ مولفه.

جدول شماره ۱۰. مولفه‌های فراگیر در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی جناح چپ

افراد	فراوانی	درصد
خاتمی	۳۸	۲۳.۶
موسوی	۳۸	۲۳.۶
عارف	۲۷	۱۶.۸
روحانی	۳۱	۱۹.۳
جهانگیری	۲۷	۱۶.۸
کل	۱۶۱	٪۱۰۰

جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد که جناح راست در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی خود در مجموع ۵۷ مرتبه به مولفه‌های فراگیر اشاره مستقیم و غیرمستقیم داشته است. این میزان از مولفه فراگیر در میان اعضای جناح راست عبارتند از: محمدباقر قالیباف ۲۲، غلامعلی حداد عادل ۷، سعید جلیلی ۸، سید ابراهیم رئیسی ۲۲ و علیرضا زاکانی ۱۶ مولفه.

جدول شماره ۱۱. مولفه‌های فراگیر در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی در جناح راست

افراد	فراوانی	درصد
قالیباف	۲۲	۲۸.۹
حداد عادل	۷	۹.۲
جلیلی	۸	۱۰.۵
رئیزی	۲۲	۲۸.۹
زاکانی	۱۶	۲۲.۴
کل	۵۷	٪۱۰۰

جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که جناح چپ در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی خود در مجموع ۱۱ مرتبه به مولفه‌های ایدئولوژیک اشاره مستقیم و غیرمستقیم داشته است. این میزان از مولفه فراگیر در میان اعضای جناح چپ عبارتند از: سید محمد خاتمی ۰، میرحسین موسوی ۱، محمدرضا عارف ۲، حسن روحانی ۶ و اسحاق جهانگیری ۲ مولفه.

جدول شماره ۱۲. مولفه‌های ایدئولوژیک در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی در جناح چپ

افراد	فراوانی	درصد
موسوی	۱	۹.۱
عارف	۲	۱۸.۲
روحانی	۶	۵۴.۵
جهانگیری	۲	۱۸.۲
خاتمی	۰	۰
کل	۱۱	٪۱۰۰

جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد که جناح راست در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی خود در مجموع ۴۵ مرتبه به مولفه‌های فراگیر اشاره مستقیم و غیرمستقیم داشته است. این میزان از مولفه فراگیر در میان اعضای جناح راست عبارتند از: محمدباقر قالیباف ۹، غلامعلی حداد عادل ۱۵، سعید جلیلی ۱۵، سید ابراهیم رئیزی ۶ و علیرضا زاکانی ۰ مولفه.

جدول شماره ۱۳. مولفه‌های ایدئولوژیک در مناظره‌ها و شعارهای انتخاباتی در جناح

راست

افراد	فراوانی	درصد
قالیباف	۹	۲۰
حداد عادل	۱۵	۳۳.۳
جلیلی	۱۵	۳۳.۳
رئیزی	۶	۳۱.۴
زاکانی	۰	۰
کل	۴۵	٪۱۰۰

۲-۴. مصوبات مجلس ششم، هفتم، یازدهم

در بخش مصوبات، دوره‌هایی از مجلس مد نظر قرار گرفته است که در آن جناح چپ و جناح راست دارای حداکثر کرسی نمایندگی بوده اند. بر این اساس در دوره مجلس ششم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، جناح چپ دارای بیشترین فراوانی و در دوره مجلس هفتم (۱۳۸۳-۱۳۸۷)، و مجلس یازدهم (۱۳۹۹-۱۴۰۳)، جناح راست دارای بیشتری فراوانی هستند. جدول شماره ۱۴ به بررسی مولفه‌های فراگیر در شعارها و مناظرات احزاب اصلاح طلب و تحقق آنها در مصوبات مجلس ششم می‌پردازد که اکثریت آن در اختیار جناح اصلاح طلب بود. از این طریق می‌توان به تعیین میزان فراگیر بودن احزاب اصلاح طلب در ایران پرداخت و عملکرد آنان را با احزاب فراگیر در سطح جهانی مقایسه کرد. جدول شماره ۱۴. میزان تحقق مولفه‌های فراگیر نزد جناح چپ در مصوبات مجلس ششم

تحقق مولفه‌های فراگیر در مصوبات مجلس ششم	مولفه‌های فراگیر در شعارها و مناظرات جناح چپ
طرح رفاندوم بر سر نظارت استصوابی، تصویب کنوانسیون رفع خشونت و تبعیض در حقوق زنان سازمان ملل متحد، تصویب نامه برگزاری سومین گردهمایی بین‌المللی سلامت، محیط زیست و فرآورده‌های طبیعی	پاسخ به مطالبات نوین کنشگران

<p>دادن اختیار به رئیس‌جمهور برای برکناری قضاتی که آشکارا در سیاست مداخله و فراتر از قدرت قضایی خود عمل می‌کنند، تلاش برای انتقال نظارت بر انتخابات و بررسی صلاحیت نامزدها از شورای نگهبان به وزارت کشور. تصویب حق همه متهمان به محاکمه در دادگاه‌هایی با حضور هیئت منصفه که در آن قضات و دادستان آن به‌صورتی کاملاً مستقل عمل می‌کنند.</p>	<p>تاکید بر قانون و قانونگرایی به‌عنوان ملاک عمل</p>
<p>اصلاح تصویب‌نامه اعطا نشان دولتی دانش، لیاقت، پژوهش، ایثار، شجاعت و...، تصویب نامه راجع به مشارکت دستگاه‌های اجرایی در برگزاری المپیادهای ملی و جهانی مهارت</p>	<p>توجه به تخصص - گزینی در تعیین جایگاه اجتماعی افراد</p>
<p>آیین‌نامه نحوه تصویب پرداخت یارانه به احزاب و گروه‌های مشمول قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی، اصلاح تصویب‌نامه ستاد ساماندهی امور ایرانیان خارج از کشور</p>	<p>ملی‌گرایی و تعهد به ارتقا جامعه مدنی</p>
<p>تصویب‌نامه برگزاری اولین گردهمایی بین‌المللی اقتصاد ایران و اقتصاد جهانی (چالش‌ها و فرصت‌ها)</p>	<p>افزایش تولید، ثروت و ارتقاء امنیت اقتصادی</p>
<p>آیین‌نامه نحوه تصویب پرداخت یارانه به احزاب و گروه‌های مشمول قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی</p>	<p>توجه به کثرت آرا و اندیشه و پذیرش آن</p>
<p>تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات: تشکیل دادگاه ویژه و مستقل مطبوعات به‌منظور رسیدگی به موضوعاتی مانند: هتک حرمت و سانسور</p>	<p>آزادی بیان و اندیشه در جامعه</p>
<p>پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای در حوزه‌های آموزش، برق‌رسانی، خانه‌سازی، ساخت و ساز مناطق روستایی، تاسیسات هسته‌ای و برخورداری ۹۴ درصد از جمعیت کشور به امکانات پزشکی و آب آشامیدنی سالم تا سال ۱۳۸۰، حذف کلیه تمایزات موجود بین مرد و زن، مسلمانان و غیرمسلمانان به هنگام ادای شهادت در دادگاه‌ها و پرداخت احکام مالی در مواقع وقوع خسارت، تصویب‌نامه در خصوص واگذاری سهام شرکت تولیدی تجهیزات ایمنی راه‌ها به صندوق بازنشستگی کشوری</p>	<p>امکان بهره‌مندی از امکانات کشور توسط تمامی طیف‌های موجود</p>
<p>تصویب‌نامه مربوط به نظرسنجی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و استان از مردم در خصوص ارزیابی عملکرد طرح تکریم ارباب رجوع در دستگاه‌های اجرایی</p>	<p>وابستگی به جامعه و علایق و نیازهای آن</p>
<p>تصویب بیش از یکصد لایحه اصلاح‌گرایانه، از جمله منع همه اشکال شکنجه و خشونت فیزیکی نظیر محروم کردن متهم از خواب، بستن</p>	<p>عدم دخالت امنیتی در امر فرهنگی و</p>

اجتماعی و برخورد قانونی با این امور	چشمها و حبس انفرادی، به رسمیت شناختن حقوق زندانیان سیاسی برای برخورداری از وکیل، دسترسی به خانواده و محاکمه توسط قضات دارای حداقل ۱۰ سال تجربه، تشکیل دادگاه ویژه و مستقل مطبوعات
توجه به حقوق زنان	اجازه استفاده از روسری به جای چادر به نمایندگان زن در مجلس، اجازه پوشش دختران دانش آموز با روپوش های رنگی، تصویب کنوانسیون رفع خشونت و تبعیض در حقوق زنان سازمان ملل متحد، پیمانی که آمریکا همچنان از تصویب آن دوری می کند، افزایش سن ازدواج دختران به ۱۵ سال

جدول شماره ۱۵ به بررسی مولفه های فراگیر در شعارها و مناظرات احزاب اصولگرا و تحقق آنها در مصوبات مجلس هفتم و یازدهم می پردازد یعنی مجلسی که اکثریت آن در اختیار جناح اصولگرا بود. از این طریق می توان با معیار قرار دادن فراگیری احزاب موج سوم در اروپا، به بررسی میزان دوری و یا نزدیکی این طیف از احزاب نسبت به مولفه های فراگیری پرداخت.

جدول شماره ۱۵. میزان تحقق مولفه های فراگیر نزد جناح راست در مصوبات مجلس هفتم و یازدهم

مولفه های فراگیر در شعارها و مناظرات جناح راست	تحقق مولفه های فراگیر در مصوبات مجلس هفتم و یازدهم
افزایش تولید، ثروت و ارتقاء امنیت اقتصادی	طرح رفع برخی از مشکلات و موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی، طرح صیانت جامعه در برابر مفساد اقتصادی، لایحه ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، لایحه استفساریه نحوه تامین اعتبار لازم برای تغییر ضرب حقوق کارکنان دولت، با توجه به شاخص هزینه های زندگی، لایحه مقررات تسهیل کننده رقابت و ضوابط مربوط به کنترل و جلوگیری از شکل گیری انحصارات، لایحه بیمه های تامین اجتماعی کارگران ساختمانی، لایحه تشکیل صندوق های حمایت اجتماعی جوانان و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی استانی (مهر امام رضا)، طرح مراکز رشد و پارک های علم و فناوری کسب و کار، لایحه ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن، طرح شفافیت دریافتی های کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران،

<p>لایحه اصلاح قانون صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌های کشور، طرح تامین هزینه‌های اساسی مردم از طریق هدفمندسازی یارانه‌ها و سود سهام عدالت، طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران</p>	
<p>طرح الحاق موادی به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در خصوص اهانت به ادیان و مذاهب قانونی و اقوام ایرانی، طرح تاسیس خبرگزاری‌های غیردولتی، لایحه حمایت از حریم خصوصی، لایحه آزادی اطلاعات</p>	<p>توجه به کثرت آرا و اندیشه و پذیرش آن</p>
<p>طرح تاسیس خبرگزاری‌های غیردولتی، لایحه حمایت از حریم خصوصی، لایحه آزادی اطلاعات</p>	<p>آزادی بیان و اندیشه در جامعه</p>
<p>لایحه قانونی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون جمهوری اسلامی ایران و واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی، طرح الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، لایحه اصلاح قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته</p>	<p>امکان بهره‌مندی از امکانات کشور توسط تمامی طیف‌های موجود</p>
<p>طرح حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، لایحه تصویب کنوانسیون سازمان همکاری‌های فضایی آسیا-اقیانوسیه، لایحه موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران و سوئد، سریلانکا، بنگلادش، لایحه موافقت‌نامه فرهنگی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری گینه</p>	<p>توجه به روابط و مناسبات بین‌المللی</p>
<p>طرح حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، تامین و تضمین امنیت و کرامت زن ایرانی، لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت</p>	<p>توجه به حقوق زنان</p>

عدم دخالت امنیتی در امور فرهنگی و اجتماعی و برخورد قانونی با این امور	طرح منع مداخله کارکنان، کارمندان و صاحب منصبان قوای سه گانه اعم از لشکری و کشوری و مجامع و شوراهای وابسته به نظام جمهوری اسلامی و موسسات و سازمان‌های عمومی غیردولتی در معادلات و داوری دستگاه‌های دولتی و بخش عمومی
---	--

جدول شماره ۱۶ به بررسی مولفه‌های ایدئولوژیک در شعارها و مناظرات احزاب اصولگرا و تحقق آنها در مصوبات مجلس هفتم و یازدهم می‌پردازد یعنی مجلسی که اکثریت آن در اختیار جناح اصولگرا بود. از این طریق می‌توان با معیار قرار دادن ایدئولوژیک بودن احزاب موج دوم در اروپا، به بررسی میزان دوری و یا نزدیکی احزاب اصولگرای ایران نسبت به مولفه‌های فوق پرداخت.

جدول شماره ۱۶. میزان تحقق مولفه‌های ایدئولوژیک نزد جناح راست در مصوبات مجلس هفتم و یازدهم

مولفه‌های ایدئولوژیک در شعارها و مناظرات جناح راست	تحقق مولفه‌های ایدئولوژیک در مصوبات مجلس هفتم و یازدهم
عدم انعطاف در برابر نیازهای نوین کنشگران	طرح صیانت کاربران مجازی
تعهد به ارتقا ملت اسلامی به‌جای تعهد به ملی‌گرایی	تشکیل پیمان دفاعی امنیتی گروه مقاومت طرح تشکیل شورای عالی قرآنی
تاکید بر سانسور و ممیزی و به حاشیه بردن افکار متفاوت	صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام- رسان های اجتماعی
امنیتی کردن امور فرهنگی و اجتماعی	طرح استفاده مدیریت شده از ماهواره‌های پخش مستقیم، طرح اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام- رسان‌های اجتماعی، طرح تقویت و توسعه سازمان بسیج رسانه، طرح ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد غیردولتی، طرح الزام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و

سیمای جمهوری اسلامی ایران به حمایت از تولید آثار فرهنگی و هنری ضد استکباری	
تاکید بر سانسور و ممیزی، امنیتی کردن امور فرهنگی، طرح صیانت کاربران فضای مجازی	حقیقت شمردن باورهای خود و تلاش برای سرکوب عقاید دیگر
توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی، طرح الزام دولت به تعیین سرفصل "جنایت استکبار جهانی" در کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها، طرح ممنوعیت مذاکره مسئولان جمهوری اسلامی ایران با مقامات آمریکایی	برتری کنش‌های عاطفی به- جای منطق و عقلانیت

نتایج به دست آمده از شعارهای فراگیر دو جناح چپ و راست نشان دهنده انطباق کامل جناح چپ با مولفه‌های احزاب فراگیر است. همچنین جناح راست نیز تا حدود زیادی خود را مقید به مولفه‌های فراگیر می‌داند. علاوه بر این بررسی مصوبات حاکی از آن است که جناح چپ بعد از احراز آرا حداکثری و راهیابی به مجلس نیز به شعارهای فراگیر پایبند است. اما جناح راست علاوه بر تناقض و ناهماهنگی در شعارهای ایدئولوژیک و فراگیر خود، علی‌رغم تصویب مصوباتی مبنی بر تحقق شعارهای فراگیر، با تصویب مصوبات ایدئولوژیک محور تاثیر فراگیری عملکرد خود را خنثی نموده و به تعلقات ایدئولوژیک خود پایبند است.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، نوع فرهنگ سیاسی جناح راست و چپ، بر اساس تجربه جهانی احزاب فراگیر و ایدئولوژیک ارزیابی شد. سیر تاریخی شکل‌گیری احزاب در جوامع غربی نشانگر تقدم وجودی احزاب ایدئولوژیک بر احزاب فراگیر است. تجربه فوق نشان می‌دهد آنها در مقایسه با احزاب ایدئولوژیک انعطاف بیشتری نسبت به مطالبات جامعه از خود نشان می‌دهند. در این تحقیق بر پایه ترکیب نظریه کرشهایمر و دیوید اپتر، احزاب و جریانات سیاسی موسوم به اصلاح طلب و اصول گرا به ترتیب به عنوان احزاب فراگیر و ایدئولوژیک در نظر گرفته شده‌اند. اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه نسبت به محیط پیرامون و مطالبات برخاسته از آن نظیر مطالبات سیاسی، هویتی، قومی، داشتن

گفتمانی انتقادی نسبت به وضعیت موجود، پرهیز از شعارهای افراطی، برخورداری از پایگاه نسبی در بین بخشی از نیروهای جامعه به ویژه روشنفکران، همسویی با مطالبات و خواسته‌های طبقه متوسط و نیروهای سیاسی اجتماعی موجود در آن، اتخاذ رویکرد تعامل گرایانه در عرصه سیاست خارجی و مفصل بندی کردن بین گره‌گشایی از مسائل داخلی و برقراری تعامل با دنیای خارج از جمله مهمترین عوامل گذار از احزاب اصول گرا به اصلاح طلب در جامعه ایرانی بوده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که فرهنگ سیاسی حاکم بر احزاب سیاسی در هنگام انتخابات و پس از رسیدن به قدرت سیاسی، دچار دوگانگی است و این آن را از تجربه احزاب فراگیر و ایدئولوژیک در غرب متمایز می‌سازد. به واقع این طیف از احزاب موسوم به اصولگرا در ایران، از یک خصلت ترکیبی برخوردارند به این معنا که در هنگام انتخابات واجد ویژگی‌هایی احزاب فراگیر می‌شوند و خواهان جذب رای بیشتر در بازار انتخابات هستند، اما در هنگام نیل به قدرت مجدداً از خصلت احزاب ایدئولوژیک برخوردار می‌شوند و توان انطباق با خواسته‌ها و مطالبات جامعه را از دست می‌دهند.

این در حالی است که جناح چپ در هنگام انتخابات به‌طور کامل و پس از احراز کرسی نمایندگی به‌طور نسبی بر طبق الگوی احزاب فراگیر به عنوان احزاب نسل سوم اروپای غربی عمل نموده است. آنچه مسلم است جناح چپ با اختلاف زیادی نسبت به جناح راست بر طبق الگوی فراگیر عمل نموده و پس از انتخابات نیز با توجه به مصوبات مجلس، کاملاً بر مواضع خود پایبند است. بررسی مصوبات جناح راست نشان دهنده آن است که این جناح علیرغم مولفه‌های فراگیر در شعارهای انتخاباتی خود، از موضع فراگیر خود فاصله گرفته است. همچنین شعارهای جناح راست و چپ نشان دهنده تاکید بر مواضع اقتصادی جناح راست نسبت به جناح چپ است که از این نظر به نظریه احزاب فراگیر اتوکرشهایمر نزدیکتر هستند. اما آنچه مسلم است با توجه به شعارها و مواضع جناح چپ مبنی بر توسعه سیاسی، علاوه بر اینکه این جناح به اصول دموکراسی نزدیکتر است، بررسی مصوبات و نتایج دیپلماسی جناح چپ، نشان از موفقیت این جناح در پیشبرد اهداف اقتصادی دارد. بنابراین آنچه در ادامه مواضع جناح چپ محقق می‌گردد، توسعه سیاسی، تحقق دموکراسی و پیشبرد برنامه‌های اقتصادی در

نتیجه تعامل در روابط خارجی و توجه به تخصص‌گرایی و تکیه بر علم و منطق اقتصادی سیاسی در داخل کشور است. اما جناح راست به دلیل تاکید بر ایدئولوژی و عدم انعطاف خود، علاوه بر نارضایتی عمومی، بیگانگی ملت- دولت و عدم تحقق دموکراسی، در بعد اقتصادی نیز به دلیل تاکید بر ارزش‌ها، عدم توجه به تخصص‌گرایی در جایگاه افراد، به‌حاشیه بردن افکار متفاوت و عدم امکان فعالیت و مشارکت طیف‌های گوناگون، و عدم اقبال برای دیپلماسی سازنده در حوزه بین‌المللی، عملکرد ناموفقی از خود بر جای گذاشته است.

منابع

- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۲)، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران: سروش.
- بدیع، برتران (۱۳۹۳)، توسعه سیاسی، تهران: نشر قومس
- دوورژه، موریس (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حیدری، مردان و دلاوری، ابوالفضل و ترکمان، فرخ (۱۳۹۶)، تحلیل الگوی کنش فعالان حزبی در ایران (مورد مطالعه احزاب دهه ۶۰ تا ۹۰)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال ۱۴ (۴)، صص ۷۸-۱۰۶.
- روانستان، آرزو (۱۳۹۶)، «تاثیر جنبش دموکراسی خواهی در جهان بر رابطه دولت و جامعه در ایران» (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، پژوهش ملل مهر، دوره ۲ (۲۲)، صص ۴۷-۶۷.
- سیونگ یو، دال (۱۳۹۶)، «فرهنگ سیاسی و دشواری‌های تحکیم دموکراسی در کره جنوبی و ایران»، سپهر سیاست، شماره ۱۵، صص ۱۳۳-۱۴۸.
- فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- فلیک، اووه (۱۳۹۴)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران.
- مظلوم، مهدی و نوری، هادی و غلامی، محمدرضا و علیزاده، رضا (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه توسعه اجتماعی و فرهنگ سیاسی در جامعه ایران: مطالعه موردی شهروندان شهر رشت»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال ۱۵ (۳)، صص ۱۷۳-۲۰۰.
- میرزایی، مهدی و محسنی تبریزی، غلامرضا (۱۳۹۶)، «مدلی برای سنجش رابطه دین داری و فرهنگ سیاسی»، پژوهش سیاست نظری، شماره ۲۳، صص ۲۷-۵۵.
- میرزایی، مهدی (۱۳۹۶)، «تبیین جامعه‌شناختی رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پردیس البرز دانشگاه تهران، ایران.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران: نشر دادگستر.

هیوود، اندرو (۱۳۹۱)، سیاست، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: نی.

- Almond, G.A. and Vrba, S. (1963), **The Civic Culture, Political Attitudes and Democracy in Five countries**, New York: Harper Collins publishers.
- Almond, & Powell, G. B. (1978), **Comparative Politics: A Developmental Approach**, Boston: Little Brown and Co.
- Almond, G. (1990), "The study of Political culture", in **A Disciplin Divided: School and Sects in Political Science**, Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Apter, D. E. (1960). "The Role of Traditionalism in The Political Modernization of Ghana and Uganda", **World Politics**, 13 (1), pp. 45–68.
- Apter, D. E. (1954), "Some Economic Factors in the Political Development of the Gold Coast", **The Journal of Economic History**, 14 (4), pp. 409–427.
- Duverger, M. (1952). "Public Opinion and Political Parties in France", **The American Political Science Review**, 46 (4), pp. 1069–1078.
- Ebeling, M. (2016). "Epistemic Political Egalitarianism, Political Parties, and Conciliatory Democracy", **Political Theory**, 44 (5), pp. 629–656.
- Gardbaum S. (2017). "Political Parties, Voting Systems, and the Separation of Powers", **The American Journal of Comparative Law**, 65 (2), pp. 229–264.
- Gramsci, A., Hoare, Q., & Nowell-Smith, G. (1972), **Selections from the prison notebooks of Antonio Gramsci**, International Publishers.
- Habermas Jürgen Burger T. & Kert L. (1989), **The structural transformation of the public sphere: an inquiry into a category of bourgeois society**, MIT Press.
- Johanson, Katya, and Hilary Glow. (2008) ,**Culture and Political Party Ideology in Australia**, *The Journal of Arts Management, Law, and Society* 38 (1): 37–50. Spring.10.3200/JAML.38.1.37-50
- Kirchheimer, O. (1958), "The Party in Mass Society", **World Politics**, 10 (2), pp. 289–294.
- LaPalombara, J. & Weiner, M. (Eds.) (1963), **Political Parties and Political Development**. (SPD-6) (pp. 3–42), Princeton University Press.
- Magleby, D. B. (2015), "The Necessity of Political Parties and the Importance of Compromise", **BYU Studies Quarterly**, 54 (4), pp. 6–23.
- Mochtar, H. (2014) Public Participation and Political Culture: A Case Study of Voting Behavior in Jombang Regency. **Open Journal of Political Science**, 4, 244-249. doi: [10.4236/ojps.2014.44026](https://doi.org/10.4236/ojps.2014.44026).
- Moises, J. A. (1993). Elections, Political Parties and Political Culture in Brazil: Changes and Continuities. *Journal of Latin American Studies*, 25(3), 575–611. <http://www.jstor.org/stable/158268>

- Mondak, J. J., & Canache, D. (2014). Personality and Political Culture in the American States. **Political Research Quarterly**, 67(1), 26–41. <http://www.jstor.org/stable/23612033>
- Rokkan S. (1970), *Citizens elections parties. approaches to the comparative study of the processes of development*. Universitetsforlaget.
- Sredanovic, D. (2016). Political parties and citizenship legislation change in EU28 countries, 1992-2013. *International Political Science Review*, 37 (4), pp. 438–452.
- Watts, D. (2012). “Political Parties”, **British Government and Politics: A Comparative Guide** (NED-New edition, 2, pp. 225–281). Edinburgh University Press.
- Welch, S. (2013). “Political Culture: Approaches and Prospects”. In P. H. J. DAVIES & K. C. GUSTAFSON (Eds.), **Intelligence Elsewhere: Spies and Espionage Outside the Anglosphere** (pp. 13–26). Georgetown University Press.

